

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

۰۲ دسمبر ۲۰۱۶

تفسیر احمد- ۳۰

ترجمه و تفسیر سوره الماعون- ۱

این سوره در « مکه » نازل شده و دارای ۷ آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ (۱) فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ (۲) وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۳) فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴) الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵) الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (۶) وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)

معلومات موجز:

سوره « الماعون » مکی و دارای (۱) رکوع، (۷) هفت آیت، (۲۵) بیست و پنج کلمه، (۱۱۵) یکصد و پانزده حرف، و (۶۵) پنجاه و شش نقطه است.

نام این سوره « الماعون » از آیت آخری این سوره گرفته شده است. طوری که در فوق گفتیم سوره « الماعون » مکی بوده، ولی هستند برخی از مفسرین که این سوره را از جمله سوره های مدنی می دانند. مفسر تفسیر «جلوه های از اسرار قرآن» در مورد مدنی بودن سوره « الماعون » چنین استدلال می نماید: دو دلیل در باره مدنی بودن این سوره را می توان عمده ساخت:

اول: بحث از نمازگزاران ریا کار در مکه مورد نداشته، نمازگزاران ریاکار در مکه نه بلکه در مدینه تبارز کردن، شرایط مکه چنان نبود که عناصر منافق، دو رو و ریا کار به صفوف نهضت بپیوندند، این عناصر در مدینه و با مشاهده قدرت و سلطه مسلمانان و بر ای کسب امتیازات به صف پیوستند، به نماز باور نداشتند، نماز شان برای خدا نبود، برای خود نمائی و نفوذ در صف مسجد می آمدند و نماز می خواندند، در مکه شرایط چنان بود که نماز با جماعت، علنی و در محضر مشرکان دشوار و مصروف دعوت مشرکان به جنگ بود، چنین کاری از عناصر ریاکار و منافق ساخته نبود.

دوم: بحث در باره روابط اجتماعی و امور مربوط به آن از موضوعات بحث سوره های مدنی است ، نه سوره های مکی ، در این سوره به امتناع نماز گزاران ریاکار از دادن ماعون ، آنچه عادتاً «مردم یک محله به همدیگر کمک می کنند» اشاره شده است ، بحث در مورد چنین مسائلی با فضای مکه و سوره های مربوط به این مرحله سازگار نیست.

شهید سید قطب در تفسیر خویش در مورد مکی و مدنی بودن این سوره می نویسد:

برخی از مفسرین این سوره را مکی و برخی دیگر مفسرین این سوره را مدنی می شمارند . ولی در عین زمان تعدادی از مفسرین بدین عقیده اند که :اولین سه آیت این سوره مکی و متباقی آیات این سوره مدنی می باشد . سید قطب می فرماید:

نظریه دوم ارجح است. با این وجود این سوره به طور کلی دارای وحدت متفق و مرتبطی است. دارای رویکرد یگانه‌ای در بیان یک حقیقت کلی از حقائق این عقیده است، رویکرد یگانه‌ای که ما را بر آن می‌دارد این سوره را به طور کلی مدنی بدانیم. زیرا موضوعی که این سوره بدان می‌پردازد از جمله موضوعات مدنی قرآن است.

موضوع مورد نظر راجع به نفاق و ریا است. نفاق و ریا نیز در مکه میان گروه مسلمانان موجود و مشهور نبوده است.

اما پذیرش روایتی که گویای مکی و مدنی این سوره است هیچ مانعی ندارد. زیرا احتمال دارد چهار آیت آخر این سوره در مدینه نازل شده باشد و به سه آیت نخستین این سوره ملحق گردیده باشد به مناسبت مشابهت و پیوندی که موجود در موضوع است .

امابه قول جمهور، این سوره مکی است اما به قول ابن عباس و قتاده این سوره را مدنی می شمارد . «هبه الله» مفسر نابینا در بیان سبب نزول آن گفته است: نصف این سوره در مکه درباره عاصی بن وائل و نصف آن در مدینه در باره عبدالله بن ابی منافق نازل شده است.

اسباب نزول:

در بیان سبب نزول سوره ماعون مفسرین اقوال مختلفی ارائه داشته اند :

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: «این آیت درباره عاصی بن وائل سهمی نازل گردید».

اما سدی می‌گوید: «این آیت درباره ولید بن مغیره نازل شد». به قولی: این آیت درباره ابوجهل نازل شد که وصی یتیمی بود پس آن یتیم با تنی برهنه نزدش آمد و از وی مال خود را طلب کرد اما او یتیم را از خود راند. ابن جریج می‌گوید: «این آیت درباره ابوسفیان نازل گردید که در هر هفته شتری می‌کشت در این حال یتیمی از وی چیزی خواست اما او آن یتیم را با چوب دست خود راند».

ترجمه موجز:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

«أَرَأَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالْإِيمَانِ» (۱) (آیا دیدی کسی را که تکذیب کند دین را)

«فَدَلِكِ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ» (۲) (پس او همان است که می راند یتیم را)

«وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ» (۳) (ونمی انگیزد کسی را بردادن طعامی مسکین را)

«فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ» (۴) (پس وای بر این نماز گزاران)

«الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (۵) (آنانی که غافل اند از نماز شان)

«الَّذِينَ هُمْ يَرَاؤُونَ» (۶) (همان ها که خود نمائی کنند)

«وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ» (۷) (واشیای عاریت دادنی را باز دارند)

در این سوره طوری که ملاحظه می فرمائید از صفات و اعمال منکران قیامت که آنها به خاطر تکذیب این روز:

- از «انفاق» در راه الله سر باز می زنند .

- از کمک به «یتیمان» غفلت می نمایند .

- از کمک و مساعدت به «مسکینان» فرار می نمایند .

- در مورد اقامه «نماز» مسامحه کار و ریاکار اند .

- از کمک به «نیازمندان» روی گردانند .

خلاصه تفسیر:

آیا شما آن کسی را دیدی که روز جزاء را تکذیب می نماید، پس (شما می خواهید حال او را بشنوید ، پس بشنوید (که آن کسی است که یتیم را از خود می راند ، و به طعام دادن محتاج (دیگران را) ترغیب نمی کند ، (او آنچنان سنگدلی است که خود او به فقراء که هیچ ، دیگران رانیز بر این وادار نمی کند ، پس وقتی تضييع حقوق بندگان چنین بداست ، پس تضييع حق خلق به طریق اولی بدتر خواهد شد) پس (از این ثابت شدکه) برای اینگونه نماز خوانان ویرانی بزرگی است که نماز خود را فراموش می کنند (آن را ترک می کنند) پس کسانی که چنین هستند ، (وقتی که نماز می خوانند پس) ریاکاری می کنند و اصلاً زکات نمی دهند ، (زیرا برای زکات شرعاً لازم نیست که در جلو هر کس آن ظاهر نموده بدهد ، بنابر این ، در صورت ندادن آن هم کسی نمی تواند اعتراض بکند ، خلاف نماز که آن با جماعت آشکارا اداء می گردد ، اگر آن کاملاً ترک شود ، پس نفاق بر همه کس روشن می گردد ، لذا نماز را فقط به خاطر نشان دادن می خواند)

محتوای کلی سوره ماعون:

این سوره به کسانی که ظاهراً به دین گرویده‌اند، اما در عمل به دستورات دینی بی‌توجهی می‌کنند، هشدار می‌دهد . در این سوره پنج مورد از خصوصیات منکران قیامت (سرباز زدن از انفاق، راندن یتیمان و مسکینان، ریا، مسامحه در نماز و باز داشتن مردم از کمک به نیازمندان) مطرح و مورد بحث قرار گرفته است .

در این سوره اشاره به هر چیز از ریا و ریاکاری و سهل انگاری در نماز دارد و دیگران را به اطعام مسکین و مستمند تشویق می کند تا مثل ابوسفیان نباشند و به یتیمان احترام بگذارند و به روز جزاء و انکار روز جزاء و دادگاه بزرگ آن در عمل انسان هم اشاره شده است .

به بیان دیگر سوره ماعون به این حقیقت مهم اشاره می‌کند که دینداری تنها اعتراف به وجود الله تعالی نیست، بلکه باید همراه با اعمال صالح و شایسته و ترک زشتی‌ها و اعمال ناشایسته باشد .

تفسیر موجز:

«أَرَأَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالذِّينِ» (۱) ((ای پیامبر) آیا کسی که روز جزا را تکذیب می‌کند دیده‌ای؟! کسی را که دین را انکار کند و کسی را که در انکار الله و رسولش ، و روز جزاء و احکام را انکار می‌کند؟ این استفهام برای برانگیختن تعجب و درعین حال جهت تشویق شنونده به شناخت امری است که بعد از آن بیان می‌شود. «أَرَأَيْتَ»: به ظاهر از رویت می‌آید، که آیا دیدی . قابل ذکر است که رویت به دو قسم است ، رویت چشمی و رویت قلبی.

در همه آیات قرآنی که کلمه «أَرَأَيْتَ» به کار رفته است ، هدف از آن رویت قلبی است . پس در این صورت «أَرَأَيْتَ هَای قرآن» را باید اینطور معنا کرد: رأی و نظر تو چیست در باره کسی که مثلاً تکذیب می‌کند دین الهی را. این به اصطلاح اولین کلمه است که تأمل و دقت خاصی را می‌طلبد. وقتی که می‌فرماید «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالذِّينِ» به نظر می رسد که دین به معنای روز جزاست. چون دین در قرآن کریم استعمالات گوناگونی دارد ولیکن یکی از مهمترین معانی و استعمالات دین عبارت از روز قیامت است چنانچه در سوره حمد هم داریم «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، و ما ادراك ما يوم الدين» در سوره افطار اینجا هم ما دین را به معنای روز جزا می‌گیریم. «فَذَلِكِ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ» (۲) پس او (همان) کسی است که یتیم را (با خشونت از خود می‌راند) نه تنها به او کمکی به عمل نمی‌آورد ، بلکه به شخصیتش نیز توهین و اهانت می‌کند و به او صدمه روحی می‌رساند. در جمله «يَدْعُ الْيَتِيمَ» این مفهوم را می‌رساند که یتیم را دور می‌سازد و آن را از خود می‌راند و طردش می‌کند. منکر دین حق یتیم را نادیده می‌گیرد، بر اطعام مسکین تشویق نمی‌کند و زمینه‌های آماده نمی‌کند و در مورد هیچ کاری انجام نمی‌دهد. بنابراین، رعایت حال یتیم و مسکین از شروط دین است و از بنیان‌های پذیرفتن ایمان. هر کس که این واجب عملی ، را منکر شود، خدا را انکار کرده و به او ایمان نیاورده و دین خدا را تکذیب کرده است. این بیان حجتی قاطع است که تعبیری بالاتر از آن نیست و جایی برای شک نمی‌گذارد: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكْذِبُ بِالذِّينِ فَذَلِكِ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ وَ لَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ.» حقیقت این است که معنای درست ایمان به خدا و دین مستلزم رسیدگی و توجه به خلق خدا و امور جامعه و وضعیت مردم است، و در غیر این صورت ایمان در کار نیست. علت این است که ایمان به خدا معنای ایمان به آفریننده جهان، خدای عالم عادل رؤوف رازق رحیم است، خدائی که هر صفت نیکو و شایسته‌ای از او آغاز می‌شود و به او نیز پایان می‌یابد، نقطه آغاز و پایان هر خیر. ایمان به خدا به این معنا مستلزم این است که ما به هستی بنیان نهاده شده به حق و عدل، ایمان داشته باشیم، زیرا که صفات آفریننده بر آفریده اش منعکس می‌شود.

«وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ» (۳) (و (دیگران را) به اطعام بی‌نوا (و مسکین) ترغیب و تشویق نمی‌کند) یعنی: این شخص منکر روز جزاء، همان کس است که نه خود به سبب بخل و آزی که دارد، مساکین را اطعام می‌کند و نه خانواده خود یا دیگران را بر این کار برمی‌انگیزد.

مسکین و فقیر:

فرق بین فقیر و مسکین این است که فقیر هیچ چیزی در اختیار ندارد و توان برآوردن احتیاجات روزمره اش را هم ندارد و مسکین کسی است که احتیاج و نیازمندی اش نسبت به فقیر کمتر است . صحیح ترین قول در مورد تعریف فقیر و مسکین همین است. البته عده ای از علماء تعریف این دو را به عکس گفته اند. به هر یکی از این دو قشر به اندازه احتیاجش به همراه رعایت کردن درآمدش داده می‌شود و بیشتر از آن نباید به او

داده شود، چون در این صورت غنی می گردد و از اصناف زکات خارج می گردد. البته حاجت و نیازمندی بر حسب تفاوت محیط زندگی متفاوت است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیحی می فرماید: « لیس المؤمن الذی یشبع و جاره جائع إلی جنبه » «کسی که خود سیر باشد و همسایه اش گرسنه باشد، مؤمن نیست». (السلسله الصحیحه (۱/۱۴۹) و بخاری در (الأدب المفرد) (۱۱۲).

شیخ البانی رحمه الله در شرح این حدیث می گوید: «این حدیث دلیل واضحی است بر این که هرگاه کسی خود غنی باشد، بر او حرام است که همسایه گرسنه خود را فراموش کند، بلکه بر او واجب است تا آنچه را که موجب برطرف شدن گرسنگی شان می شود و همچنین دیگر ضروریات زندگی را بدانها بدهد.

و همچنین حدیث اشاره می کند بر این که بر مال و دارائی هر فردی علاوه بر حق پرداخت زکات آن، حق دیگری نیز وجود دارد (و آن صدقه به نیازمندان است) و ثروتمندان گمان نکنند که آنها با پرداخت زکات سالانه امواشان بریء الذمه خواهند شد و تکلیف از دوششان ساقط می شود، بلکه حقوق دیگری بر آنها، در شرایط مورد نیاز و پیش آمده - وجود دارد، که بر آنها واجب است آن حقوق را اداء کنند وگرنه مشمول این وعید و هشدار الله تعالی قرار می گیرند: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا ينفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (سوره توبه ۳۴). یعنی: و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می سازند، و در راه خدا انفاق نمی کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده!

«يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتَنَمَّ فُتَنُوهَا بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ» (سوره توبه ۳۵). یعنی: در آن روز که آن را در آتش جهنم، گرم و سوزان کرده، و با آن صورتها و پهلوها و پشتهایشان را داغ می کنند؛ (و به آنها می گویند): این همان چیزی است که برای خود اندوختید (و گنجینه ساختید)! پس بجشید چیزی را که برای خود می اندوختید!» السلسله الصحیحه (۱/۱۴۹).

بنابراین هر مسلمانی که الحمدلله خود از لحاظ معیشت و خوراک در وضعیت مطلوبی به سر می برد، چنان که یکی از همسایگانش در وضعیت نابسامان مالی و معیشتی به سر می بردند، یکی از حقوق واجب آن همسایه اینست که فرد غنی به یاری او بشتابد و در حد توان نیازهایش را برآورده کند و از مالی که خداوند متعال به فضل خویش به وی عطا فرموده به همسایه نیازمندش انفاق کند.

«فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ» (۴) (پس وای بر نمازگزارانی که از نماز خویش غافلند» و به آن اهمیتی نمی دهند به طوری که اگر نماز بگزارند، از نماز خود امید ثوابی را نمی برند و در برابر ترك آن نیز از مجازاتی بیم ندارند همچنین آنان از نماز غافلند تا وقت آن از دست برود پس اگر با مؤمنان باشند، به ریا نماز می خوانند اما اگر با مؤمنان نبودند، نماز نمی خوانند.

هكذا آنان با به تأخیر انداختن وقت نماز، یا با خواندن آن به بی مبالائی، از نماز خویش غافلند. یا مراد بی نمازانی اند که از نماز خویش غافلند.

ابن کثیر نقل می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم در جواب سعد بن ابی وقاص (رض) که از ایشان پرسید: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ» چه کسانی اند؟ فرمودند: «کسانی که نماز را از وقت آن به تأخیر می اندازند».

ابن عباس رضی الله عنهما در بیان سبب نزول این آیت می گوید: «این آیت درباره منافقانی نازل شد که وقتی مؤمنان حاضر می بودند، از روی ریا و خودنمایی نماز می خواندند اما وقتی مؤمنان غایب می بودند، نماز را ترك می کردند همچنین آنان از عاریت دادن اشیا و وسایل ضروری منزل به مؤمنان خودداری می کردند.

«الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (۵) (آنانی که غافل اند از نماز شان)

«الَّذِينَ هُمْ يَرَاؤُونَ» (۶) (همان ها که خود نمائی وریا کنند) یعنی: به علاوه آن که آنان از نماز خود غافلند، بلکه همان نمازهایی را که نیز می خوانند، ریاکاری می کنند. یا آنان در هر عمل از اعمال نیکی که انجام می دهند، ریاکاری می کنند تا مردم آنان را به نام نیک یاد کنند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث شریف فرموده اند: «الرياء أخفى من دبيب النملة السوداء في الليلة المظلمة على المسح الأسود» (ریا پوشیده تر از خزیدن موری (حشرت) سیاه در شبی تاریک بر پلاس سیاهی است).

برخی از انواع ریا :

- ۱ - نیکو جلوه دادن شخصیت و هیأت خود به قصد حب جاه و ثنا و ستایش مردم.
- ۲ - پوشیدن جامه کوتاه، یا پوشیدن لباس با رنگ های تیز ، تا به این وسیله در دنیا و در نظر مردم به هیأت و هیبت زهد درآید.
- ۳ - ریا کردن با گفتار به وسیله اظهار خشم بر اهل دنیا و اظهار تأسف بر آنچه که از خیر و طاعت از او فوت می شود.
- ۴ - نشان دادن نماز و صدقه خود به دیگران، یا نیکو آراستن نماز در پیش چشم مردم.

فرق در میان منافق و ریاکار این است که:

منافق آشکار کننده ایمان و پنهان کننده کفر است در حالی که ریاکار: آشکار کننده خشوعی است که در قلب وی وجود ندارد؛ تا کسی که این خشوع ظاهری او را می بیند، او را متدین و خداترس بینداند و در حقش ارادتی به هم رساند.

علماء گفته اند: نشان دادن عمل نیک به دیگران اگر با هدف برانگیختنشان به پیروی از خود، یا به انگیزه نفی تهمت از خود باشد، باکی ندارد.

«وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ» (۷) (و از پرداخت زکات و) عاریت دادن وسایل ضروری زندگی دریغ می ورزند.) ماعون آن است که پیوسته در گردش و جریان است چنان که آن را تبر، دیک، دستاس و هر آنچه معمولاً به عاریه داده می شوند، معنی کرده اند. (قاموس القرآن- جلد ۶ صفحه ۲۶۳)

در این آیت خداوند متعال می فرماید که : اینها از جمله کسانی هستند که از دادن کوچکترین چیز ها حتی وسائل معمولی زندگی به دیگران هم کوتاهی می کنند. حتی از درخواست های کمی که دیگران از آنان دارند و آنها هم انجام آن برایشان مقدور است کوتاهی می کنند و این باعث می شود که روحیه بخشش در آنها نهادینه نشود و بالتبع در موارد دیگر هم نتوانند از مال شان بگذرند و در راه الله به مصرف برسانند.

این وابستگی به اموال مانع این می شود که حتی نماز آنها، نماز حقیقی باشد.

ادامه دارد